

ریشه‌یابی فرقه‌شناختی و تطوّر سنجی روایات مجازات شیخین پس از ظهور در متون روایی شیعی

مهدیه پاکروان^۱، علیمحمد ولوی^۲، نصرت نیلساز^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۶)

چکیده

نُه روایت در بحارالانوار به مجازات و سوزاندن شیخین به دست قائم اشاره دارد. مساله این پژوهش تاریخ‌گذاری و ریشه‌یابی فرقه‌شناختی این روایات و نیز تطوّر سنجی آن‌هاست. بررسی منابع روایی فرق شیعی یعنی زیدیه، اسماعیلیه، نصیریّه و دوازده امامی نشان می‌دهد که ریشه این گفتمان به حلقه‌های غالیان قرن دوم به بعد می‌رسد و شرح و تفصیل آن توسط خصیبی پیشوای نصیریان صورت گرفته است. افکار غالیانه، جریان شعوبی‌گری و عرب‌ستیزی در شکل‌گیری و فریه‌شدن این گفتمان نقش بسزایی داشته و اصل تبری از اصول کلامی امامی سبب راه یافتن این روایات به برخی منابع امامی شده است. در آثار متقدم امامیه این مجازات در قالب عباراتی موجز و مشابه فقط در انتهای دو روایت کمال‌الدین دیده می‌شود که تقطیع و تلخیصی است از آنچه پیش‌تر در میان غلات رواج داشته است. در اسناد هر دو روایت صدوق نام متهمان به غلو به چشم می‌خورد. دلائل‌الامامه - کتابی غالیانه و مجهول‌المولف - نیز روایاتی در این موضوع دارد که متأثر از الهدایة الکبری است. بحارالانوار با تکرار چندباره روایات غلات و امامیه بسامد روایت را بالا برده است. تکرار این روایات در منابع اخباریان قرن یازده و بعد از آن این موضوع را در منظومه فکری امامیه برجسته کرده، حال آنکه ریشه این روایات به غلات و نصیری‌ها می‌رسد. این تحقیق با روش تحلیل محتوا با طی کردن گام‌هایی چون جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌یابی و کدگذاری روایات، مقایسه کمی و کیفی آن‌ها و بررسی اسناد-متن روایات نتایج خود را ارائه داده است.

کلید واژه‌ها: فرق شیعه، غلات، مجازات شیخین، مهدی علیه السلام، خصیبی، نصیریّه.

m.pakravan@alzahra.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران؛

a.valavi@alzahra.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

nilsaz@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

۱. بیان مساله

در روایات بعد از ظهور به مجازات گروه‌ها و افراد مختلفی اشاره شده که هر یک در جای خود محل تحلیل و بررسی است. در این میان در منابع روایی عمدتاً متأخر امامیه مجازات خلیفه اول و دوم نیز مطرح شده است. همین امر سبب سؤالات این تحقیق شد که این روایات در متون متقدم امامیه دارای چه جایگاهی است؟ ریشه‌ها و مبانی آن چیست و آیا این گفتمان اصالتاً به امامیه تعلق دارد یا وام گرفته از دیگر فرق است؟ این تحقیق با بررسی این مضمون در منابع روایی شیعی به دنبال تاریخ‌گذاری و ریشه‌یابی فرقه‌شناختی این دسته از روایات است. بدین منظور آثار روایی امامی تا بحارالانوار و نیز منابع متقدم و مهم فرق شیعی یعنی زیدیه، اسماعیلیه و نصیریّه بررسی شدند. سؤالات تحقیق عبارت است از: روایات مجازات شیخین در متون کدام فرق شیعی و توسط چه کسانی روایت شده است؟ حاوی چه پیام‌ها و مقوله‌هایی است؟ در چه منابعی بازتاب یافته و به چه زمانی می‌رسد؟ دارای چه تطوراتی است؟ چه عوامل و تفکراتی در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله یادکرد چند مطلب مقدماتی ضروری است.

۲-۱. پیشینه تحقیق

نگارندگان همین نوشتار در مقاله‌ای با عنوان "ریشه‌یابی تفکرات غالیانه و شعوبی روایات مجازات شیخین در متون نصیریّه" به بررسی روایات مجازات شیخین و چرایی آن در متون نصیریّه پرداخته‌اند و در واقع این تحقیق ادامه پژوهش یاد شده است و از آن با اختصار، مقاله ۱ یاد می‌شود.

۲-۲. روش تحقیق

تحلیل محتوا^۱ فنی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق تعیین عینی و منتظم ویژگی‌های مشخص پیام‌هاست (هولستی، سالارزاده امیری، ۲۶). این روش به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با پژوهش خود را به دست بیاورد. لاسول عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤالات می‌داند که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید (کیوی، کامپنهود، نیک‌گهر، ۲۲۲). هولستی نیز تحلیل محتوا را تکنیکی می‌داند که در مواجهه با متن پاسخگوی سؤالات فوق باشد (هولستی، ۴۴). به عبارتی تحلیل محتوا به دنبال کشف چیستی و چرایی متن است. این تحقیق نیز با بومی‌سازی روش، متناسب با متون مورد بحث خود در پی پاسخگویی به سؤالاتی است که پیش‌تر بیان شد و در این راستا به لحاظ روشی گام‌های زیر طی شده است:

الف. جمع‌آوری داده‌ها: بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که به لحاظ فرقه‌شناختی این روایات ذیل چهار گروه نصیری، اسماعیلی، غالی - امامی و امامی قرار می‌گیرند. این مضمون در روایات زیدی - حدود ۴۰ منبع بررسی شده - هیچ انعکاسی نداشته است.

ب. انتظام‌بخشی داده‌ها و تبدیل داده‌های کیفی به کمی (مقوله‌یابی و کدگذاری): به جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین، ابتدا داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری شده‌اند.

ج. تحلیل داده‌ها: برای تحلیل لازم است وضعیت کیفی و کمی مقوله‌ها و کدها بررسی و مقایسه شوند. با توجه به آن‌که متون مورد بحث این تحقیق روایی و دارای اسناد و متن است، علاوه بر متن در تحلیل داده‌ها بررسی اسناد نیز ضروری است. اسناد روایات علاوه بر متن، حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق خواهد بود و در تاریخ‌گذاری و تعیین تاریخ نشر حدیث نیز راهگشاست.

د. بیان نتایج: براساس گام‌های طی شده به سؤالات تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

1. Content Analysis.

۲-۳. تعریف و تحدید واژگان

اثنا عشری (دوازده امامی): به دوازده امام از علی بن ابیطالب تا محمد بن الحسن قائم آل محمد قائل اند (نوبختی، ۱۰۹-۱۱۲). منظور از امامیه در این تحقیق همین گروه است. اسماعیلیه: از فرق شیعی که بعد از امام صادق علیه السلام قائل به امامت اسماعیل بن جعفر یا فرزندش محمد بن اسماعیل بن جعفرند و دارای انشعاب‌های مختلفی شدند (اشعری قمی، ۸۰-۸۴، شهرستانی، ۱۹۷/۱).

نصیریه: این فرقه منتسب به ابوشعیب محمد بن نصیر نمیری (۲۷۰ ق.) از علماء اهل بصره است (ابن غضائری، ۹۹). وی معتقد به خدایی امام هادی علیه السلام بود. خود را باب امام عسگری علیه السلام و سپس امام زمان می‌دانست و نزدیکی با محارم را جایز می‌دانست (طوسی، الغیبة، ۳۹۸). باور به الوهیت ائمه و حلول خدا در امام علی و اولادش، اباحه‌گری، باطنی‌گری و تناسخ از اصول مهم عقاید نصیریان است (بزدوی، ۲۵۴؛ حمزه بن علی، ۱۶۳/۲-۱۷۴؛ قاضی عیاض، ۵۰۹/۲؛ شهرستانی، ۲۲۱/۱). غلو: به معنی تجاوز از حد و حدود هر چیز است (راغب اصفهانی، ۶۱۳). غلات یا غالیه اسم عام فرقی است که امامان خود را از دایره مخلوقیت بیرون برده و به الوهیت می‌رساندند. همچنین باورهایی چون تناسخ نیز در میان آنان وجود داشته است (شهرستانی، ۲۰۳/۱-۲۰۴).

۳. جمع‌آوری داده‌ها

براساس گام‌های روش، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. اطلاعات آثاری که حاوی مجازات شیخین‌اند در جدول ذیل ارائه و در پژوهش از علائم اختصاری آن‌ها استفاده می‌شود.

جدول ۱: اطلاعات و علائم اختصاری کتب حاوی مجازات شیخین

ردیف	فرقه	منبع	مؤلف	اختصار	آدرس
۱	نصیری	الحجب والانوار	منسوب به محمد بن سنان	ح	سلسله الترات العلوٰی ۶، ۶۱
۲		الهیة الشریف	منسوب به مفضل بن عمر	ف	۱۶۴
۳		دیوان اشعار خصیبی	حسین بن حمدان خصیبی	ش	۴۳۲-۴۳۵؛ ۴۶۰- ۴۶۱؛ ۴۹۰-۴۹۲؛ ۵۱۸-۳۳۴
۴		الهدایة الکبریٰ - روایت ۱		ه-۱	۳۰۴-۳۰۵؛ ۳۰۸؛ ۳۲۸
۵		الهدایة الکبریٰ - روایت ۲		ه-۲	۱۱۷-۱۱۹
۶		مختصر البدء والاعاده	ابو عبدالله حسین بن هارون البغدادی صائغ	ب	سلسله الترات العلوٰی ۶، ۴۵۷
۷		مجموع الاعیاد	ابو سعید میمون طبرانی	ع	سلسله الترات العلوٰی ۳، ۳۵۲-۳۵۵
۸		الطاعه متّی تقوم الساعه؟	منسوب به امیر المؤمنین	ط	سلسله الترات العلوٰی ۹، ۳۸۷-۳۸۸
۹	اسماعیلی	کتاب الكشف - روایت ۱	منسوب به جعفر بن منصور الیمن	کش-۱	۳۳-۳۴
۱۰		کتاب الكشف - روایت ۲		کش-۲	۸۷-۸۸
۱۱	غالی - امامی	دلائل الامامه - روایت ۱	مجهول المؤلف	د-۱	۴۷۹-۴۸۰
۱۲		دلائل الامامه - روایت ۲		د-۲	۴۵۵-۴۵۶
۱۳		دلائل الامامه - روایت ۳		د-۳	۵۲۹-۵۴۲
۱۴	امامی	کمال الدین - روایت ۱	شیخ صدوق	ک-۱	۲۵۲-۲۵۳؛ همچنین در عیون أخبار الرضا، ۵۸/۱-۵۹
۱۵		کمال الدین - روایت ۲		ک-۲	۳۷۷-۳۷۸
۱۶		منتخب الانوار المضيئه - روایت ۱	علی بن عبدالکریم نبلی نجفی	م-۱	۱۹۲
۱۷		منتخب الانوار المضيئه - روایت ۲		م-۲	۱۹۳

۴. مقوله‌یابی و کدگذاری

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات باید نظام‌مند و داده‌های کیفی به کمی تبدیل شوند. این امر در جهت تسهیل در مقایسه، سنجش تغییرات و تحلیل مضامین صورت می‌گیرد. در این گام ابتدا داده‌های روایات مقوله‌بندی و سپس زیرمقوله‌ها تعیین و کدگذاری می‌شوند. مجازات شیخین با اشکال و عبارات مختلفی در منابع روایی بازتاب پیدا کرده است. این مضمون ذیل ۵ مقوله دسته‌بندی شده که هر یک دارای چند زیرمقوله و به عبارتی کد است. ۱. حوادث خارق‌العاده مرتبط با شیخین (A): مجازات شیخین توأم با حوادث خارق‌العاده‌ای گزارش شده که دارای ۴ زیرمقوله با کدهای زیر است:

جدول ۲: کدگذاری مقوله A

سرسبز شدن درخت خشک بعد از آویختن به درخت	تر و تازه بودن بدن به هنگام بیرون کشیدن از قبر	گفتگوی قائم با آن‌ها	وزیدن باد شدید و رعدوبرق هنگام خراب کردن قبر آن‌ها
A1	A2	A3	A4

۲. ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق‌العاده (B): به سبب این حوادث خارق‌العاده مردم امتحان می‌شوند و فتنه سختی در پیش خواهد بود:

جدول ۳: کدگذاری مقوله B

ابتلاء و امتحان مردم	سخت بودن فتنه آن روز
B1	B2

۳. مجازات شیخین (C): ذیل این مقوله بیشترین زیرمقوله‌ها بیان شده و به جزئیات مساله مجازات اشاره دارد. اشکال مختلف مجازات شیخین در ۲۰ عنوان قابل دسته‌بندی است:

جدول ۴: کدگذاری مقوله C

تعیین جای قبر	خراب کردن قبر	بیرون آوردن از قبر	در آوردن کفن	با صورت روی زمین کشیدن
C1	C2	C3	C4	C5
بردن به بقیع	آویختن بر درخت	پایین آوردن از درخت و زنده شدن	سوزاندن	قصاص کردن
C6	C7	C8	C9	C10

عذاب کردن	نابود کردن	کشتن	پذیرفته نشدن هیچ مال و فدیه‌ای برای نجات	وزیدن باد سخت و کشتنده
C11	C12	C13	C14	C15
به باد دادن خاکستر	به دریا دادن خاکستر	خسف در زمین	بازگشت مجدد و قصاص و عذاب مستمر	لعن کردن و برائت جستن
C16	C17	C18	C19	C20

۴. مجازات طرفداران شیخین (D): در برخی روایات، طرفداران شیخین نیز به صورت مجازات می‌شوند:

جدول ۵: کدگذاری مقوله D

کشتن	هلاکت با باد سیاه	سوزاندن	به باد دادن خاکستر	خسف در زمین
D1	D2	D3	D4	D5

۵. محاکمه شیخین و طرفداران آن‌ها (E): ۴ زیرمقوله بیانگر این محاکمه و نتایج آن است. اشکال مختلف این محاکمه و اعلان جرم عبارت است از:

جدول ۶: کدگذاری مقوله E

آشکار کردن قصد شیخین برای کشتن پیامبر و علی علیه السلام	مجرم شمردن شیخین به سبب همه گناهان تاریخ	اعتراف شیخین به همه گناهان	اعلان حکم مجازات (سوزاندن، به باد سپردن، یرتاب شدن به مکانی دور) و دلیل آن
E1	E2	E3	E4

۵. تحلیل داده‌ها (بررسی مقوله‌ها و اسناد - متن روایات)

در این بخش متن روایات ذیل عنوان چهار فرقه براساس مقوله‌های یاد شده و نیز نمودار اسناد تحلیل خواهند شد. جدول ۹ در پیوست نشان دهنده وضعیت کمی و کیفی کدها در روایات منابع فرق شیعی است که در نهایت می‌تواند سبب سهولت مقایسه و حصول نتایج منطقی شود.

۵-۱. منابع نصیری

چنانکه در پیشینه یاد شد در مقاله ۱ روایات مجازات شیخین در آثار نصیری بررسی اسناد- متن شده است. آن‌ها نسبت به شیخین تقیه نمی‌کردند و بسیار تند و بی‌محابا به ذم و ناسزاگویی خلفا می‌پرداختند. مقوله‌بندی و کدگذاری روایات مجازات شیخین در متون پیشانصیری و نصیری گویای تقدم این مضمون پربسامد در منابع آن‌ها نسبت به سایر فرق است (جدول ۹). بررسی اسناد- متن این روایات نشان می‌دهد که از قرن دوم به بعد گفتمان مجازات شیخین در حلقات غالبان وجود داشته، اما پرداخت مفصل آن محصولی است از حسین بن حمدان که تحت تأثیر تعلیم استادش جنبلانی (۲۸۷ ق.) رخ داده و این گفتمان را در الهدایة و اشعارش فربه کرده است (جمعا ۶۸ کد/ جدول ۹). بعد از او شاگردانش مانند حسین بن هارون و طبرانی با داستان‌هایی جدید به این ماجرا دامن زدند. براساس پژوهش یادشده تفکرات غالبانه و نیز شعوبی‌گری و ضدیت ایرانیان با عرب و خلیفه دوم از عوامل شکل‌گیری و فربه‌شدن این مضمون است. غلات و نصیریان به چنین شاخصه‌های هویتی برای موجه‌سازی خود نیاز داشتند، چون می‌توانست اسباب نضج بیشتر هویت فرقه‌ای آنان را فراهم کند.

در میان روایات نصیری‌ها دو روایت الهدایة (ه-۱) و (ه-۲) دارای اهمیت ویژه‌تری است زیرا به منابع امامی نیز راه پیدا کرده است. اسناد- متن این روایت در مقاله ۱ بررسی شده است.

۵-۲. منابع اسماعیلی

در این پژوهش بیش از ۵۰ اثر اسماعیلی. بررسی شده^۱ که در بین آن‌ها تنها دو روایت

۱. آثار ابوحاتم رازی (الاصلاح، اعلام النبوة)، قاضی نعمان (افتتاح الدعوة، الارجوزة المختارة، شرح الاخبار، اساس التاویل، دعائم الاسلام، اختلاف اصول المذاهب، المجالس و المسایرات، تاویل الدعائم)، ابویعقوب سجستانی (البنایع، کشف المحجوب، الافتخار، اثبات النبوات، تحفة المستجیبین، جعفر بن منصور الیمین (سرائر، الکشف، العالم و الغلام، الرضاع فی الباطن)، حمیدالدین کرمانی (الریاض، الرسالة الوضیة، المصاییح فی اثبات الامامة، راحة العقل، الاقوال الذهبیة، مجموعه رسائل الكرمانی (شامل یازده رساله))، ناصر خسرو (وجه‌دین، خوان الاخوان، جامع الحکمتین، علی بن محمد ولید (دامغ الباطن، تاج العقائد، الذخيرة فی الحقیقة، الايضاح والتبیین، تحفة المرتاد)، ادیس بن حسن عمادالدین داعی (عیون الاخبار و فنون الآثار، زهر المعانی)، همچنین شجرة البیقین اثر داعی قرمطی عبدان، رسائل اخوان الصفا، اثبات الامامة اثر احمد بن ابراهیم نیشابوری، الدوحة اثر المؤید فی الدین هبة الله بن ابی⁺

در کتاب *الکشف* به مجازات شیخین پرداخته است.

۵-۲-۱. کتاب *الکشف*

این کتاب منسوب به جعفر بن منصور الیمن است. ابن حوشب یا منصور الیمن از داعیان عبدالله بن میمون قداح به سمت یمن برای گسترش دعوت اسماعیلیان بود و اسماعیلیه یمن را بنیان گذارد. جعفر عالم و داعی اسماعیلی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم فرزند اوست. وی پس از اختلافاتی که میان او و برادرش رخ داد در سال ۳۲۲ ق. از یمن به مغرب رفت و نزد خلفای فاطمی جایگاهی رفیع یافت تا جایی که هم‌طراز قاضی نعمان (۳۶۳ ق.) یا برتر از او شد. آثار مختلفی از جمله *الکشف* بدو منسوب شده است. نویسنده در این کتاب ۶ رساله‌ای آیات قرآن را تأویل باطنی کرده است. مؤلف ذیل آیات متعددی به قائم، ظهور و شمشیر و عذاب او بر مخالفان و دشمنان اشاره کرده است. روایات این کتاب عموماً بدون إسناد است و گاهی به نقل از امام صادق (ع) یا با مرجعی نامعلوم به نام *قال الحکیم* بیان شده است. در این کتاب دو روایت و مجموعاً ۹ کد به مجازات شیخین اختصاص دارد (جدول ۹) که روایت دوم فقط ناظر بر خلیفه اول است.

روایت کش-۱: در رساله اول علاوه بر آیات مختلفی که تأویلشان قائم و شمشیر و عذاب اوست، ذیل چند آیه مفصل‌تر به بیان حوادث مرتبط با مهدی و قائم پرداخته است. طبق یکی از روایات قائم بعد از ورود به مدینه و اقامه نماز عصر به سراغ قبر شیخین می‌رود، قبر را خراب می‌کند و آن‌ها را بیرون می‌کشد (C1, C2, C3). سپس رمزگونه ۴۳ ۹۴۹۲۹ ۹۴۵۴۵<۱۲ ۲۳۹۵۴۱۵ x۳۳۱۲ بیان می‌کند که آن‌ها برمی‌خیزند و خودشان به اعمالشان اعتراف کرده و از آن خبر می‌دهند (E3) و قائم امر می‌کند که به دار آویخته شوند (C7). وی در میان مردم و طرفدارانشان نیز شمشیر

→ عمران شیرازی، کنزالولد اثر ابراهیم بن حسین حامدی، سمط الحقائق اثر علی بن حنظله وداعی، الکافیة اثر محمد بن سعد بن داود رفته، کشف البراهین اثر محمد بن ابی‌جمهور احسائی، الايضاح اثر ابو فراس مینقی، مسائل فی الحقایق وجواباتها و رساله الامم الاعظم.

می‌کشد (D1). در این هنگام است که همه اعمال خلفا مکشوف و بدعت‌هایشان خاموش می‌شود (E5) و درنهایت حق به اهلش می‌رسد.

روایت کش-۲: در اواخر رساله سوم در تفسیر آیه ۹ سوره حج در اشاره به عذاب حریق عده‌ای که مردم را با تکبر و بی‌اعتنایی از راه خدا گمراه می‌کنند، نویسنده به روز غدیر اشاره می‌کند و عذاب الهی را ناظر بر عتیق یعنی خلیفه اول می‌داند. در آیه بعدی عذاب حریق را به قیام قائم بالسیف تفسیر می‌کند. در آن روز ابوبکر ۷۰ هزار بار کشته و سوزانده می‌شود (C9, C13). سپس نویسنده به تفصیل معنای باطنی قتل را تفسیر می‌کند که ۷۰ نفر از بهترین ابواب، حجج و ایادی از مؤمنین که با هر ناطقی ظهور می‌کنند، همراه قائم نیز خواهند بود و در قالب ۷۰ هزار کلمه علیه ابوبکر شهادت می‌دهند و نفاقش را آشکار می‌کنند. معنای ۷۰ هزار بار سوزانیدن نیز آنست که با ۷۰ هزار کلمه استحقاق او را برای آتش ذکر و علت آن را نیز بیان می‌کنند. معنای باطنی نیز این است که ۷۰ هزار زبان اهل صدق و ایمان، برگزیدگان قائم و یاران او، عیوب و گناهانش را برمی‌شمارند. در این روایت از واژه‌های رمزی ۴۱۲۶ و ۵۲ و ۳۳۵ برای عتیق و ابوبکر استفاده شده است.

بررسی اسناد- متن: روایت کش-۱ دارای اسناد نیست و با «و قال و سالت ابا عبدالله» شروع می‌شود. حدود ۲۰ صفحه قبل از این روایت مفضل بن عمر سؤالی از امام صادق (ع) می‌کند و احتمالاً در این روایت نیز راوی همچنان هموست. روایت کش-۲ هیچ اسناد و راوی‌ای ندارد و تفاسیر خود مفسر از آیه است.

تاریخ‌گذاری کتاب *الکشف*: وابستگی فرقه‌ای و زمان تألیف این کتاب دارای اهمیت است. این کتاب اگرچه به جعفر بن منصور الیمین منسوب است ولی دلایل زیر نشان می‌دهد که کتاب دارای چند لایه است و لااقل تمام این کتاب به دوره پس از شکل‌گیری فاطمی بر نمی‌گردد. حداقل بخش‌هایی از کتاب را می‌توان متعلق به حلقه‌های غالیان قرن سوم یا اسماعیلیان نخستین دانست. گفتنی است که حلقه اتصال غلات و اسماعیلیه را می‌توان در ابوالخطاب (۱۳۸ق.) و پیروانش دانست. وی که پیشوای یکی از گروه‌های بزرگ غالیان در

نیمه نخست سده دوم است را یکی از بنیان‌گذاران اسماعیلیه دانسته‌اند تا جایی که خطاییه یعنی پیروان ابوالخطاب را با اسماعیلیه نخستین یکی دانسته‌اند (اشعری‌قمی، ۸۱؛ صابری، ۳۲۱/۲-۳۲۲). در *ام‌الکتاب* که یکی از آثار متقدم غالیان خطابی و اسماعیلیه نخستین است آمده: مذهب اسماعیلی آن است که فرزندان ابوالخطاب نهادند که تن خود را به فدای فرزندان جعفر صادق، اسماعیل کردند (*ام‌الکتاب*، ص ۵۰). با این توضیحات نشان می‌دهیم که شاخصه‌هایی در ادبیات غالیان، خطابیان و نصیریان وجود دارد که در منابع اسماعیلی دیده نمی‌شود ولی در *الکشف* وجود دارد:

۱- در *الکشف* برخی عبارات به صورت رمز نوشته شده‌اند. عمده این عبارات مربوط به سه خلیفه اول است. این رویکرد در منابع نصیری ادامه پیدا کرده است اما نه به شکل رمز بلکه به صورت نام‌گذاری. البته این نام‌گذاری‌ها در برخی منابع امامی نیز گاهی دیده می‌شود، ولی در متون نصیری این نام‌ها و عناوین خودساخته فراوان و پربسامد است. عناوینی چون ادلم، زازمد، سکد، زفر، ضلال و وبال (برای نمونه نک. ابن مقاتل قطیعی، ۶۷؛ جنبلانی، ۲۴۵ و ۲۵۳؛ خصیبی، *الهدایة الکبری*، ۳۰۸؛ طبرانی، *الجوهريّة*، ۳۲). در *الکشف* علاوه بر رموز گفته شده یک‌بار هم خلیفه دوم با نام زفر آمده است (منسوب به جعفر بن منصور الیمین، ۳۱). چنین رویکردی در منابع اسماعیلی دیده نمی‌شود.

۲- انتساب روایات به جابر بن یزید جعفی و مفضل بن عمر در میان غلات بسیار شایع بود. آثار پیشانصیری چون آثار مفضلیه نمونه‌هایی از این دست است. *ام‌الکتاب* نیز به رؤیای جابر معروف است و سراسر روایت نقلی از جابر است. چنین رویکردی به طور گسترده در منابع نصیری نیز دیده می‌شود. در رساله اول *الکشف* نیز سلسله روایاتی به نقل از جابر و مفضل آمده است. چنین توجهی در منابع اسماعیلی دوره فاطمی نسبت به جابر و مفضل وجود ندارد.

۳- در منابع غلات خطابی مانند *ام‌الکتاب* جایگاه ویژه‌ای برای سلمان در نظر گرفته شده است. بارها اسم او که با لفظ سلسل نیز یاد شده به دنبال نام مصطفی به عنوان آل او

همراه با ابوالخطاب آمده است. خداوند هفت آسمان و زمین و آدم و بشر را به دست سلمان آفریده است (م/الکتاب، ۹۴-۹۵). نام او در کنار مقداد، ابوذر و گاه عمار تکمیل‌کننده حلقه‌ای مقدس است (م/الکتاب، ۴۵). آنچه که بعدها در منابع نصیری پروبال بیشتری گرفت و سلمان به عنوان باب السیدمحمد (پیامبر) با تمامی انبیاء و اولیاء با اسامی مختلف ظهور داشته و با غیبت امام دوازدهم او نیز غیبت می‌کند و هنگام ظهور او همراهش خواهد بود (خصیصی، الرسالة الرستباشیة، ۵۳-۵۷). در کنار جایگاه بلند سلمان، مقداد و ابوذر نیز جایگاه ویژه و حضور پررنگی دارند (برای نمونه نک. محمدبن نصیر، ۲۰۱-۲۰۳). در کتاب الکشف نیز نام این سه تن به عنوان عیون ثلاثه و ابواب ثلاثه آمده است (منسوب به جعفر بن منصور الیمین، ۷۰-۷۳). این در حالی است که در منابع نخستین فاطمی علی‌رغم بیان منزلت سلمان، چنین رویکردهای غلوآمیزی وجود ندارد.

۴- در الکشف از اصطلاح السیدالاکبر برای پیامبر استفاده شده است (همان، ۳). این اصطلاح به صورت السید محمد بعدها در منابع نصیری بارها تکرار شده هرچند گاهی نیز تعبیر السیدالاکبر آمده است (برای نمونه نک. محمدبن نصیر، ۲۰۱-۲۰۲؛ خصیصی، الرسالة الرستباشیة، ۷۸) اما منابع اسماعیلی چنین اصطلاحی ندارند. اصطلاح السید برای پیامبر به خودی خود غلو نیست اما این اصطلاح در ادبیات غالبانه بسیار پرسامد است (نک. اکبری، بخش ۳-۲ و بخش ۵-۳-۳).^۱

۵- عذاب شیخین در دنیا توسط قائم در منابع نصیری بارها تکرار شده (نک. مقاله ۱) و در این کتاب نیز آمده است در حالی که چنین گفتمانی در منابع اسماعیلی وجود ندارد. گفتنی است دفتری نیز انتساب این کتاب را به جعفر بن منصور رد کرده و او را تنها گردآورنده و تدوین‌کننده این اثر دانسته است (دفتری، ۱۲۵). همچنین انصاری که به طور مستقل مقاله‌ای درباره این کتاب نوشته در انتساب این رساله به جعفر تشکیک کرده و عمده آن را نوشته‌های غلات کوفی بین سال‌های ۲۶۰ تا ۲۹۰ هجری دانسته است. وی

۱. از آن‌جا که این کتاب در دست چاپ است و شماره صفحات آن امکان تغییر دارد به بخش مربوطه ارجاع داده شده است.

برآنست که عناصر اصلی رساله نخست جزء «میراث مشترک» طیف‌های گوناگون شیعی و امامی نیمه دوم سده سوم قمری است و رساله سوم نیز به پیش از تشکیل دولت فاطمی برمی‌گردد (انصاری، منبع آنلاین).

در نهایت دو رساله اول و سوم این کتاب که روایات مجازات شیخین را بازتاب داده متعلق به دوره اسماعیلیان نخستین و متأثر از حلقات غالیان کوفه قرن سوم است. استفاده از حروف رمزی نیز این احتمال را تقویت می‌کند که این رساله مربوط به جامعه‌ای است که بیان چنین عقایدی ایجاد دشمنی می‌کرده است و نه در دولت شیعی فاطمیان.

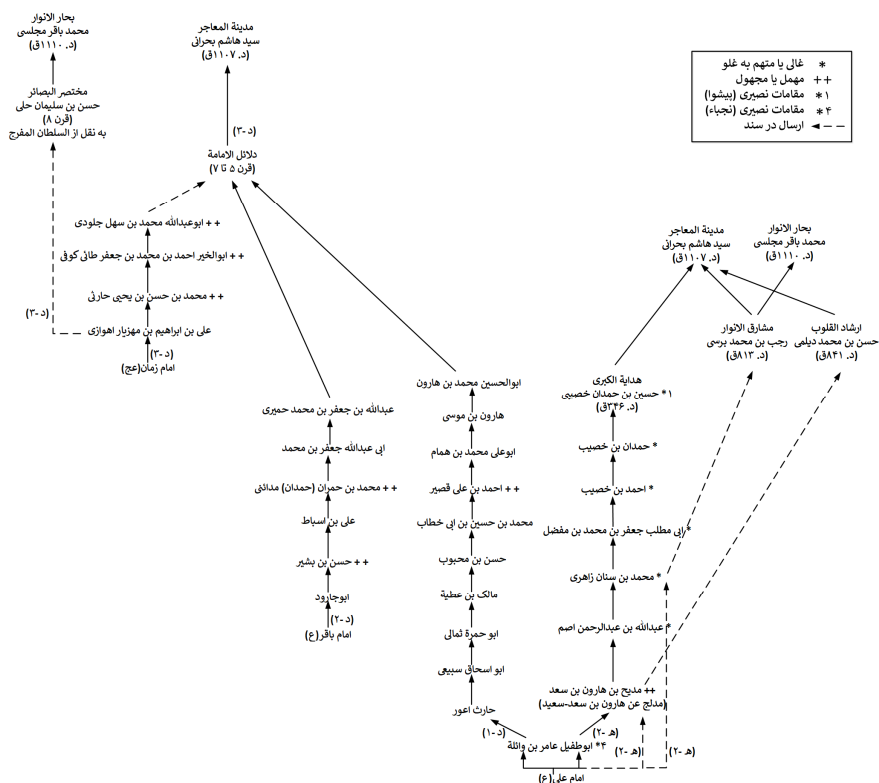
۵-۳. منابع غالی-امامی

اگرچه دلائل‌الامامه کتابی است در میراث روایی امامیه ولی به دلایلی که بیان خواهد شد این کتاب را نباید در گروه امامی قرار داد.

۵-۳-۱. دلائل‌الامامه

دلائل اثر طبری آملی نیست، بلکه کتابی است چندلایه و مجهول‌المولف که هسته اصلی آن در قرن پنجم تدوین و تا قرن هفتم به آن افزوده شده است (پاکتچی، سراسر مقاله؛ سلطانی‌فر، رنجبر، ۷۱-۹۱). دلائل را باید کتابی غالی-امامی تلقی کرد زیرا: اولاً برخی مفاهیم و اصطلاحات غالبانه مانند باب ائمه که در این کتاب با عنوان بواب آمده است به‌کرات دیده می‌شود. نویسنده ضمن معرفی امامان، ابوابشان را هم معرفی کرده است. او عناوین بواب را از خصیبه و ام گرفته و در مسئله نواب‌اربعه نیز متأثر از هموست (نک. صفری فروشانی، ۲۲۳-۲۴۰). ثانیاً این کتاب با الهدایة الکبری اشتراکات گسترده‌ای دارد که می‌تواند نشان‌دهنده چارچوب فکری نویسنده باشد. به‌عنوان مثال مجموعه‌ای از روایات ابومفضل شیبانی با حذف نام حسین بن حمدان از الهدایة به دلائل‌الامامه وارد شده است (اکبری، بخش ۱-۴-۲). این اشتراکات در روایات پیش‌رو نیز خواهد آمد. ثالثاً در

سلسله راویان این کتاب، افرادی غالی یا متهم به غلو که کتاب‌هایی پیرامون ائمه داشتند دیده می‌شود (صفری فروشانی، ۲۳۴). آقابزرگ نیز به غالی بودن این اثر اذعان دارد (آقابزرگ، ۲۴۷/۸). به‌طور کلی دلائل/لامامه با داشتن راویان ضعیف، مجهول، غالی و اشکالات تاریخی و اعتقادی اثری ضعیف به شمار می‌آید. در این کتاب سه روایت دربردارنده ۲۲ کد به مساله مجازات بعد از ظهور اختصاص دارد (جدول ۹ و نمودار ۱).



روایت د-۱: در روایتی به نقل از ابوطیفیل عامر بن واثله گفتگوی امیرالمؤمنین (ع) با عمر نقل شده است. این روایت تحریر مختصری از روایت الهدایة/الکبری (ه-۲) است و البته با اسنادی متفاوت (نمودار ۱/د-۱ و ه-۲). به‌موجب این روایت امیرالمؤمنین به طعن عمر و برشمردن برخی اعمال او از جمله ظلم و ستم‌هایش به عترت پیامبر (ص) می‌پردازد و مصاحبش یعنی خلیفه اول را نیز با او شریک می‌داند. در نهایت با ۳ کد از مجازات‌هایی به

دست فرزندش می‌گوید که در انتظار عمر و ابوبکر است. آن‌ها را از قبر بیرون می‌کشد (C3) در حالیکه تروتازه‌اند (A2) و به دار می‌آویزد (C7).

بررسی اسناد- متن: اولین بار الهدایة این روایت را ذکر کرده و مؤلف دلائل مختصری از آن را با اسناد و تحریری جدید آورده که در دیگر منابع ذکر نشده است. عموم راویان ه-۲ غالی، متهم به غلو یا از مقامات نصیری‌اند (نک. مقاله ۱). همین تحریر حسین بن حمدان است که به منابع امامی قرن نهم و یازدهم وارد شده است (برسی، ۱۲۵؛ دیلمی، ۲۸۵/۲-۲۸۶؛ بحرانی، ۴۴/۲ و ۲۴۳-۲۴۷؛ مجلسی، ۳۰/۲۷۶-۲۷۷). نکته قابل توجه آن‌که برسی و دیلمی راویان نصیری در اسناد الهدایه را حذف و به صورت مرسل از راویانی غیرنصیری روایت را آورده‌اند (نمودار ۱)

اسناد روایت د-۱ با ه-۲ اشتراکی ندارد و در آن احمد بن علی قصیر مجهول و از راویان خود ساخته مؤلف است. راوی ساختگی نیز می‌تواند متأثر از الهدایة باشد، زیرا در آن کتاب راوی‌ای با نام احمد بن جعفر قصیر (خصیبی، الهدایة الکبری، ۱۶۲) وجود دارد و البته او نیز در منابع رجالی امامی مجهول است. در این روایت شیخین در بیداء به دار آویخته می‌شوند، در حالی که در (ه-۲) بعد از تحریق شیخین، بیداء و خسف آن‌ها آمده است. در مجموع بی‌شک با روایتی ضعیف مواجهیم که عبارت‌پردازی جدیدی از روایت الهدایة است و به منابع روایی متأخر شیعه نیز وارد شده است.

روایت د-۲: در روایتی ابوجارود از امام باقر (ع) درباره زمان قیام قائم می‌پرسد. طبق این روایت قائم بعد ناامیدی از شیعه ظهور می‌کند و پس از آن جنگ‌های گسترده‌اش شروع می‌شود. در مدینه ۱۵۰۰ قرشی زنازاده را می‌کشد. سپس به مسجد النبی می‌رود (C1)، قبر را خراب می‌کند و دو خلیفه را بیرون می‌کشد (C2, C3) در حالی که بدنشان تازه است (A2). با آن‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها پاسخش را می‌دهند (A3). در این هنگام اهل باطل به شک می‌افتند و می‌گویند با مرده سخن می‌گوید؟ (B1) از این رو پانصد نفر از آن‌ها را در کنار مسجد می‌کشد (D1). سپس آن دو نفر را با همان هیز م‌هایی که به در خانه فاطمه (س) جمع

کردند تا آن را آتش بزنند می‌سوزاند (C9). این هیزم‌ها نزد امامان به ارث مانده است. سپس قصر مدینه را خراب می‌کند و راهی کوفه می‌شود. در کوفه نیز ۱۶ هزار بُتری (درباره جنگ قائم با بتریه نک. پاکروان، ۱۹۶-۲۰۲) را از دم تیغ می‌گذرانند.

بررسی اسناد- متن: بخش‌هایی از این روایت در منابع دیگر امامی آمده است، اما بخش تحریق و نیز کل روایت در هیچ منبعی نیست. به عبارتی د-۲ تجمیعی از روایات مختلف بعلاوه مجعولات مؤلف است که به سایر منابع نیز راه پیدا نکرده است.

در این روایت نیز برخی راویان مهمل و مجهول‌اند (نمودار ۱/د-۲). دلائل‌الامامه مملو از روایاتی با سبک داستان‌سرایی و قصه‌پردازی است، چنانکه (د-۲) نیز با چنین پردازش‌هایی فربه شده است. راوی روایت، ابوجارود است و جالب اینجاست که بخش‌هایی از این روایت به نقل از همو در منابعی متقدم بر دلائل آمده: ۳۱۳ نفر بودن اصحاب قائم (نعمانی، ۳۱۵)، حکومت ۳۰۹ ساله قائم مانند اصحاب کهف، عدالت‌گستری قائم، فتح شرق و غرب عالم، کشتن غیرمسلمانان، هم‌سیره‌بودن قائم با سلیمان (طوسی، الغیبه، ۴۷۴)، به کوفه رفتن قائم، کشتار بتریه، کشتار جنگجویان کوفه تا زمانی که خدا راضی شود (مفید، ۳۸۴/۲). گویا مؤلف دلائل این روایات ابوجارود را با افزوده‌هایی دیگر به سبک داستانی، پردازش و با اسنادی که دو راوی آن نیز ساختگی است به امام‌باقر (ع) منسوب کرده است. میان این روایت با (ه-۱) شباهت‌های مفهومی وجود دارد:

- در هر دو روایت تعیین جای قبر، بیرون آوردن از قبر، تروتازه بودن بدن به هنگام بیرون کشیدن از قبر، امتحان و ابتلای مردم، سوزاندن و مجازات طرفداران شیخین آمده است.

- در (ه-۱) دو بار مجازات و کشته شدن هواداران شیخین آمده است. (د-۲) نیز حاکی از کشته شدن ۵۰۰ نفر از آنهاست.

- در هر دو روایت قائم به کوفه می‌رود و در آنجا جنگ‌های گسترده‌ای رخ می‌دهد؛ البته با داستان‌هایی متفاوت. این ماجرا فقط در این دو روایت آمده است.

- در (ه-۱) شیخین با آتشی که به در خانه علی (ع) بردند سوزانده می‌شود. این

گفتنمان مطابق فضای تناسخی نصیریان است زیرا این همان آتشی است که برای ابراهیم و خاندان پیغمبر افروخته شد. در (د-۲) به جای آتش، هیزم آمده که نزد اهل بیت به ارث محفوظ مانده است.

- در (ه-۱) دوگانه ضلال و وبال کنایه به شیخین است و در (د-۲) ازرق و زریق. این اصطلاح برای شیخین تنها در این منبع آمده است.

بنابراین روایت (د-۲) نیز متأثر از الهدایة الکبری و سایر روایات محفل غالیان است. روایت د-۳: این روایت خبری مرسل پیرامون تشرف علی بن ابراهیم بن مهزیار است. به ابن مهزیار که در جستجوی صاحب الزمان است بشارت تشرف داده می‌شود. او پس از طی مسافتی و گذراندن وقایعی به محضر امام می‌رسد. امام ضمن طرح سؤالاتی از او به بیان برخی وقایع قبل از ظهور و برخی اقدامات بعد از ظهورش می‌پردازد که ضمن آن با ۱۰ کد به مجازات شیخین هم اشاره می‌کند: با مردم حج به جا می‌آورم و به مدینه می‌روم (C1). حجره را خراب می‌کنم (C2) و آن دو را تروتازه بیرون می‌کشم (A2, C3). به آن دو امر می‌کنم به بقیع بروند (C6) و به دو شاخه خشکیده‌ای که شیخین به آن‌ها مصلوب شده‌اند (C7) دستور می‌دهم تا از زیر آن‌ها برگ بیرون بیاید (A1). ابتلای مردم در این روز شدیدتر از ابتلای نخستین آن‌هاست (B2).

سپس منادی از آسمان ندا می‌دهد ای آسمان نابود کن و ای زمین در خود فرو ببر (D5, C18). در این روز جز مؤمنی که خدا قلبش را از ایمان خالص کرده است در زمین باقی نمی‌ماند. ابن مهزیار می‌گوید پرسیدم بعد از آن چه می‌شود؟ امام پاسخ می‌دهد: کره، کره، رجعت، رجعت. سپس آیه ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (الاسراء، ۶) را تلاوت می‌کند.

بررسی اسناد- متن: روایات تشرف ابن مهزیار در منابع متقدم‌تری چون کمال‌الدین (صدوق، ۲/ ۴۴۵-۴۵۳ و ۴۶۵-۴۷۰) و الغیبه (طوسی، الغیبه، ۲۶۳) با اسناد و متونی متفاوت با شباهت‌های مضمونی آمده ولی مساله تحریق فقط در این روایت ذکر شده است.

در قرن هشتم مختصری از د-۳ را حسن بن سلیمان حلی به نقل از السلطان المفرج^۱ اثر استادش نیلی نجفی با اسناد مرسل از ابن مهزیار ذکر کرده است (حلی، مختصر البصائر، ۴۳۰). بحار نیز از همین طریق روایت را آورده است (مجلسی، ۱۰۴/۵۳). بحرانی نیز روایت را از دلائل نقل کرده است (بحرانی، ۱۱۵/۸) (نمودار ۱/د-۳).

اسناد این روایت مرسل که با روی شروع می شود نیز احتمالاً ساخته مؤلف دلائل است و سه راوی مجهول دارد. بخش هایی از این روایت بازسازی شده که سبک داستانی دارد در منابع پیشین آمده است و بخش هایی نیز ساخته مؤلف است.

در انتهای (د-۳) آمده است: فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: "يَا سَمَاءُ أَيْدِي، وَيَا أَرْضُ خُذِي" و پس از آن همه غیرمؤمنان هلاک می شوند. برای این عبارت کد خسف در زمین برای شیخین و نیز طرفداران آن ها در نظر گرفته شده است زیرا مشابه گزاره هایی پیرامون خسف سفیانی در بیداء است: فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمَ فَيَخْسِفُ بِهِمْ (نعمانی، ۲۸۰). در (ه-۲) نیز خسف شیخین در بیداء آمده بود و این عبارت نیز متأثر از همانست.

ذکر عبارتی در انتهای این روایت می تواند مؤید دیگری از تأثیرپذیری آن از الهدایة باشد. عبارت "الكرة البيضاء والرجعة الزهراء" اصطلاح پرتکرار نصیریان در مفهوم رجعت است (برای نمونه نک. خصیبی، الهدایة الکبری، ۲۴۴ و ۲۷۲). در انتهای روایت (د-۳) نیز قولی مشابه آن به امام نسبت داده شده است: الكرة الكرة، الرجعة الرجعة که تعبیری از همان اصطلاح است.

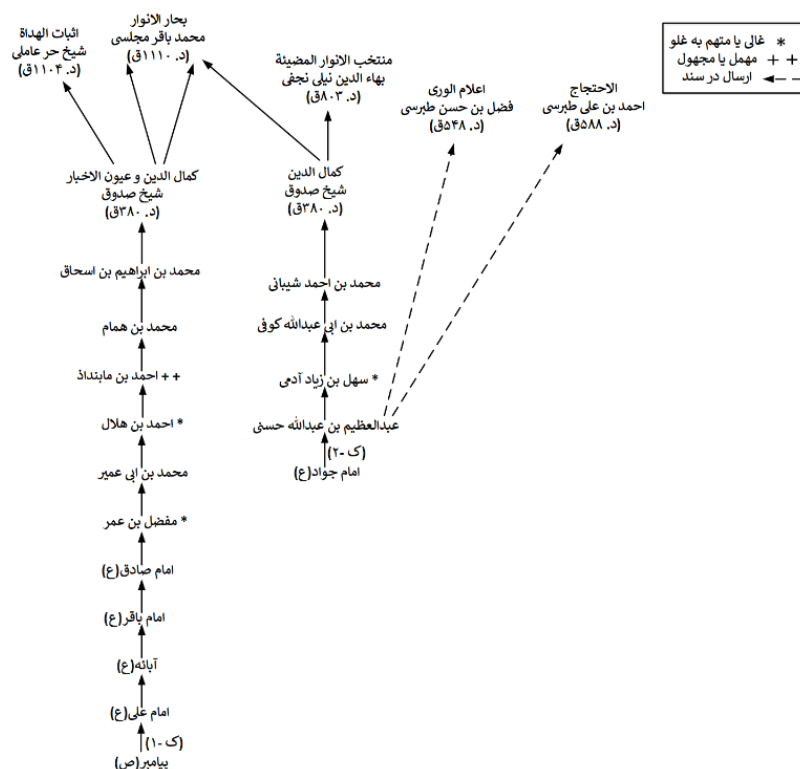
در مجموع (د-۳) مانند سایر روایات دلائل الامامه روایتی ضعیف و نوساخته شده است. روایتی منفرد، مرسل، با راویانی ضعیف که تجمیعی است از بحث تشرف و ام گرفته از منابع امامی و مجازات شیخین و ام گرفته از الهدایة و سایر منابع نصیریان.

۱. در نسخه فعلی این کتاب این روایت وجود ندارد و محقق آن را در مستدرک کتاب ذکر کرده است: (نیلی نجفی، السلطان المفرج، ۹۲).

این کتاب که ضعف و تأثیرپذیری آن از الهدایة الکبری نشان داده شد در مجموع ذیل ۲۲ کد به مجازات شیخین اشاره کرده و سبب برجسته‌سازی این گفتمان شده است.

مساله مجازات شيخين در منابع متقدم امامي فقط در آثار صدوق آمده است و بعد از وی در آثار نیلی نجفی (۸۰۳ ق.) با دو روایت نومتولد روبرو می‌شویم. سایر منابع امامی همین روایات یا روایات الهدایة را تکرار کرده‌اند.

در دو عبارت موجز و مشابه مجازات شیخین در انتهای دو روایت آمده که جمعاً دارای ۷ کد است (حدول ۹ و نمودار ۲).



نمودار ۲: اسناد روایات مجازات شیخین در آثار صدوق

روایت ک-۱: روایت اول از مفضل بن عمر به نقل از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شب اسراء است. پیامبر تک تک ائمه را معرفی و بعد از ذکر قائم به انتقام گیری او اشاره می کند. ناگهان در عبارتی کوتاه بیرون آوردن لات و عزى از قبر (C3) و سوزاندن آنها بیان می شود (C9)، در حالی که تروتازه اند (A2) و فتنه ایشان از فتنه عجل و سامری سخت تر است (B2).

بررسی اسناد- متن: عبارت تحریق در (ک-۱) تلخیص بسیار موجزی است از روایاتی که پیش تر در حلقات غالیا وجود داشته است. عبارت سخت بودن فتنه آن روز نیز پیش تر در منابع نصیری (ح و ف) آمده بود. همچنین خصیبه در انتهای سروده اش در جنبله (پیش از ۲۸۷ ق.) که به ماجرای تحریق پرداخته می گوید ایباتش حجتی است برای طرفداران عجل و سامری (خصیبه، مرهج، ۴۲۴-۴۳۶).

راوی ک-۱ مفضل بن عمر است، همو که راوی اصلی روایت مفصل رجعت در *الهدایة* (ه-۱) و گفتمان تحریق است. چنانکه در مقاله ۱ بیان شد غالیا به مفضل بن عمر توجه ویژه ای داشتند و روایات زیادی را بر او حمل می کردند. در اسناد ک-۱ احمد بن هلال نیز غالی (طوسی، رجال، ۳۸۴) ملعون و مذموم از ناحیه امام عسگری علیه السلام و امام زمان (کشی، ۸۱۶/۲؛ طوسی، الغیبة، ۳۵۳؛ حلی، رجال، ۲۰۲) است. احمد بن مابنداذ هیچ توثیق یا تضعیفی در منابع رجالی ندارد و مهمل است. او پسر عموی پدر محمد بن همام بن سهیل اسکافی است. تنها اطلاع درباره او ماجرای اسلام آوردن پدرش از مجوس به اسلام است. بعد از اسلام آوردن او برادرش سهیل و فرزندانشان نیز مسلمان می شوند (نجاشی، ۳۷۹-۳۸۰؛ خویی، ۲۰۴/۲) در مقاله ۱ تحلیل شد که روایت تحریق می تواند متأثر از گرایش های مذهبی و ایرانی شکل گرفته باشد. به عبارتی دو راوی غالی و یک راوی ایرانی این اسناد می توانند در صورت بندی این گفتمان نقش داشته باشند.

از سوی دیگر بررسی روایت شب اسراء در بردارنده نکات مهمی است. این روایت با ۱۲ تحریر در منابع شیعی و سنی آمده است (جدول ۷). اسناد این روایات نیز متفاوت است که برای اختصار از آوردن آنها خودداری شده است. مضمون کلی این روایات

معرفی اهل بیت به عنوان حجج الهی به پیامبر در شب اسراء است. سپس از مهدی علیه السلام به عنوان فردی برجسته در این خاندان یاد و برخی صفات ایشان بیان می‌شود. در همین قسمت است که فقط در یک تحریر مجازات شیخین آمده است (سطر ۸).

جدول ۷: مضمون روایات شب اسراء

ردیف	منبع / مضمون	تفسیر فرات کوفی	تفسیر فرات کوفی	الغیبه نعمانی	کمال الدین / عماد الاخبار	کتابه (۱)	کتابه (۲)	مقتضب (۱)	مقتضب (۲)	الغیبه طوسی	مآله متقیه	الطرائف	تأویل / آیات
۱	سخن یک یهودی در آگاهی از نام ائمه								✓				
۲	سخن ابوذر در فضل اهل بیت و گفتگو با پیامبر					✓							
۳	سخن خدا: درباره علی علیه السلام با پیامبر	✓	✓	✓				✓		✓	✓	✓	✓
۴	سخن خدا: درباره پنج تن و وعده دوزخ برای منکران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۵	سخن خدا: نام دوازده امام و درختش نام مهدی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶	سخن خدا: معرفی ائمه، مهدی، ناز و منظم	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۷	مهدی آرامش بخش، شفا بخش، عدالت گستر				✓	✓							
۸	خارج کردن لاث و عزیزی تر و تازه و سوزاندن آن‌ها				✓								
۹	استواری آسمان به واسطه اهل بیت										✓		
۱۰	سخن خدا: دوست داشتن اهل بیت و دوستانشان			✓				✓					
۱۱	بیان اسماء ائمه در تورات							✓	✓				
	آدرس	۷۳	۷۴	۹۳	۲۵۲-۲۵۳ ج ۱	۱۵۲	۶۹	۲۶	۳۲	۱۴۷	۳۷	۱۳ ج ۱	۱۰۴
		۷۴	۷۵	۹۴	۵۸-۵۹ ج ۱	۱۵۳	۷۳	۲۹	۳۹	۱۴۸	۴۰	۱۷۲ ج ۱	۱۰۵

طبق جدول ۷ متقدم‌ترین منبع روایت شب اسراء تفسیر فرات کوفی (۳۰۷ ق.) است که با دو إسناد روایت را آورده و در آن سخنی از مجازات نیست. در مجموع تحریرهای مختلف این خانواده حدیثی به ۱۱ مضمون اشاره دارند که مضامین ۳ تا ۶ در عموم این روایات مشترک است. مقایسه إسناد- متن تحریرها نشان می‌دهد که این روایت دارای هسته و بخش اصیلی بوده که با طرق مختلف نقل شده است. بخش‌هایی نیز به آن افزوده شده و به نظر می‌رسد که تحریق شیخین یکی از همین عبارات است. بررسی مضامین و مقایسه آن‌ها با هم نیز گواهی بر افزوده شدن عبارات مجازات است چون با بافت و فضای

روایت سازگار نیست. جالب اینجاست که منابع روایی و تفسیری تا قرن دهم، تحریری را آورده‌اند که در آن‌ها سخنی از مجازات نیست. در قرن یازدهم مجلسی و حرعاملی روایت را از صدوق نقل کرده‌اند. مجلسی دوبار روایت را آورده که یک‌بار آن خلاصه‌تر است. (حرعاملی، ۴۸/۲؛ مجلسی، ۲۴۵/۳۶؛ ۳۷۹/۵۲) (نمودار ۲/ک-۱)

روایت ک-۲: در روایتی عبدالعظیم حسنی به امام جواد علیه السلام می‌گوید: امیدوارم شما همان قائم آل محمد علیه السلام باشید که زمین را بر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از جور و ستم شده است. امام می‌فرماید همه ما قائم به امر الهی و هدایت‌گران به سوی دین خداییم. آنگاه ضمن بیان برخی ویژگی‌های خاص امام دوازدهم ناگهان مجازات شیخین را در ۸ واژه مطرح می‌کند. این عبارت دارای ۳ کد تعیین جای قبر، بیرون آوردن از قبر و سوزاندن است (C1, C3, C9).

بررسی إسناد - متن: در إسناد (ک-۲) سهل بن زیاد آدمی (نجاشی، ۱۸۵)، از راویان کثیر الحدیث قرن سوم از امام جواد علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام است. وی متهم به غلو و تضعیف و توثیق او اختلافی است (نک. مهدوی، سراسر کتاب). با لحاظ کردن نضج و انتشار روایت تحریق در حلقه غلات، این بخش روایت می‌تواند متأثر از سهل بن زیاد آدمی باشد.

گفتنی است اولین منبعی که بعد از کمال این روایت را آورده کفایه‌الاثار است. خزاز بدون عبارت پایانی یعنی مجازات، روایت را نقل و به‌جای آن نوشته است "والحدیث بتمامه" (خزاز قمی، ۲۸۲). این اصطلاح را خزاز دیگر بار در روایتی به نقل از صدوق (خزاز قمی، ۲۲۰) آورده که جایگزین چند خط پایانی همان روایت صدوق است. این شگرد محدثان برای عدم تکرار است. اما سوال اینجاست که در روایت مدنظر "والحدیث بتمامه" آیا ناظر بر عبارت مجازات است؟ اطمینانی بر این امر نیست، زیرا این روایت از ابوعبدالله خزاعی است نه صدوق. همچنین جایگزینی ۸ واژه با این اصطلاح منطقی نیست. در دو إسناد کمال و کفایه تنها راوی اول یعنی محمد بن احمد شیبانی و ابوعبدالله خزاعی متفاوت‌اند. آن‌ها شیوخ صدوق و خزاز قمی‌اند (خویی، ۵۶/۱۶؛ امین، ۱۵۵/۶). چه‌بسا

عبارت پایانی افزوده شبیانی، شیخ صدوق باشد یا اینکه حذف آن کار ابو عبدالله خزاعی یا خود خزازقمی؛ همچنین ممکن است خزاز نسخه‌ای داشته که این عبارت در آن نبوده است. نکته قابل توجه آنکه همه اجزای این روایت در روایات دیگر نیز آمده است. فقرات (ک-۲) در جدول ۸ آمده و در ستون روایات مشابه، عبارات سایر روایات کمال که دقیقاً مشابه عبارت موردنظرند ذکر شده است. گویی (ک-۲) تجمیعی از بخش‌های روایات دیگر است. جالب اینجاست که إسناد روایت ردیف ۲ همان إسناد (ک-۲) است. با در نظر گرفتن این اشتراکات ممکن است یکی از راویان (ک-۲) این روایت را با گزاره‌های مختلف روایی فربه کرده و عبارت آخر را نیز از (ک-۱) بدان افزوده باشد (سطر ۸).

جدول ۸: تشابه‌یابی عبارات روایت ک-۲ در سایر روایات کمال‌الدین

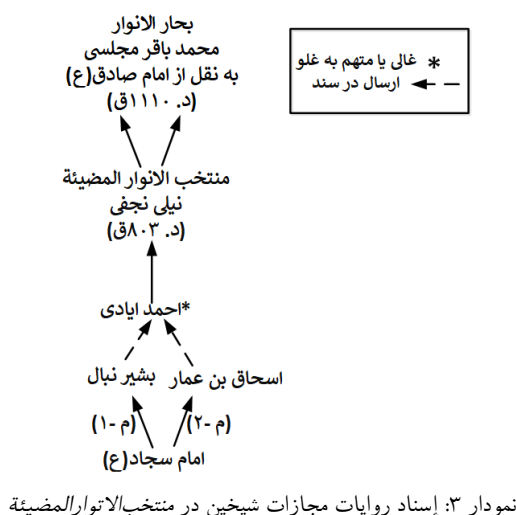
ردیف	فقرات (ک-۲)	فقرات مشابه در سایر روایات	آدرس از کمال
۱	قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُوسَى عَ إِني لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَقَالَ ع يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَا وَهُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَطْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا	دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَغْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا	۳۶۱/۲
۲	هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَاتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ	فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلِدَاتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ	۳۰۳/۱
۳	يَطْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَاتُهُ ... وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ	يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يَقْدُسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وَلِدَاتِهِ ... وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ	۳۷۱-۳۷۲/۲
۴	يَطْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ... وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَاتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَخْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ وَ يَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَغَبٍ	يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ ... وَ يَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَغَبٍ ... تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَاتُهُ وَ لَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يَطْهَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا	۳۶۸-۳۶۹/۲
۵	يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا ... ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا	ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ... وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا	۶۵۴/۲
۶	يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا ... فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ	وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا ... فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ	۳۳۱/۱

ردیف	فقرات (ک-۲)	فقرات مشابه در سایر روایات	آدرس از کمال
۷	الْعِدَّةُ مِنَ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ رَضِيَ قَالَ يَلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ	فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قُلْتُ وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ رَضِيَ قَالَ يَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ	۳۲۹/۱
۸	فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَأَخْرَفَهُمَا	فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى طَرِبِينَ فَيُخْرِفُهُمَا فَلَفِتْنَةُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ بَيْنَهُمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَالسَّامِرِيِّ	۲۵۳-۲۵۲/۱

این روایت دارای اسنادی منفرد در قرن ششم به صورت مرسل از عبدالعظیم حسنی ذکر شده است (طبرسی، الاحتجاج، ۴۴۹/۲؛ طبرسی، إعلام‌الوری، ۴۳۵-۴۳۶). نیلی و مجلسی نیز روایت را از کمال آورده‌اند (نیلی نجفی، منتخب الأنوار المضيئة، ۱۷۶-۱۷۷؛ مجلسی، ۲۸۳/۵۲) (نمودار ۲/ک-۲). مجلسی یک‌بار نیز روایت را از کفایه‌الاثار ذکر کرده که عبارت تحریق را ندارد (مجلسی، ۱۵۷/۵۱).

۵-۴-۲. منتخب‌الانوار المضيئة

نیلی نجفی (د. ۸۰۳ ق.) چند اثر در موضوع امام‌زمان دارد. در این کتابش ضمن دو روایت و ۱۴ کد به موضوع مجازات شیخین پرداخته است (جدول ۹ و نمودار ۳).



روایت-۱: مؤلف در این کتاب مرفوعاً از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند اولین کار قائم بیرون آوردن شیخین از قبر است (C3) در حالی که تروتازه‌اند (A2)، آن‌ها را می‌سوزاند (C9) و خاکسترشان را به باد می‌دهد (C16). در ادامه نیز برخی اقدامات قائم درباره مسجد بیان شده است.

بررسی اسناد- متن: این روایت به لحاظ اسناد دارای اشکال است. اولاً بشیرنبال از یاران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است. مجلسی همین روایت را مرفوعاً از بشیرنبال از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. بنابراین امام سجاده علیه السلام در تحریر نیلی غلط است. علاوه بر این سند روایت مرفوعاً از احمد بن محمد ایادی است. او مجهول است. احتمال دارد نیلی نام راوی را اشتباه ذکر کرده باشد و منظور احمد بن علی ایادی باشد، زیرا او صاحب کتابی با نام *الشفاء والجلاء فی الغیبة* است. وی در منابع رجالی کذاب و متهم به غلو معرفی شده است (ابن غضائری، ۴۳؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ۷۶). در (م-۱) اولین کار قائم مجازات شیخین است. این روایت بخشی از روایتی است که در آن اولین اقدام قائم خراب کردن سقف مساجد و بازسازی آن‌ها همچون عریش موسی است:

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سُقُوفَ الْمَسَاجِدِ فَيَكْسِرُهَا وَيَأْمُرُ بِهَا فَيَجْعَلُ عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱/ ۲۳۶) (۱) (۲) در م-۱ میان عبارت اول و دوم، مجازات شیخین اضافه و بعد قسمت دوم روایت فوق تلخیص شده است. در نهایت باید گفت این روایت نومتولد در قرن هشتم نه اسناد درستی دارد و نه متن تجمیعی آن قابل اعتماد است.

روایت م-۲: در روایت مرفوعی از اسحاق بن عمار که دارای ۹ کد است آمده: قائم که می‌آید و تصمیم می‌گیرد قبر را خراب کند خداوند باد شدید و رعد و برق می‌فرستد (A4) تا آنجا که مردم می‌گویند به خاطر این تصمیم این اتفاق افتاده است. از این رو یارانش از کنار او پراکنده می‌شوند و هیچ‌کس با او نمی‌ماند (B1). اما وقتی با تیشه اولین ضربه را می‌زند یارانش با دیدن این صحنه برمی‌گردند. در آن روز فضیلت هر کس در سبقت او به پیوستن

به قائم است. آنگاه قبر را خراب می‌کند و شیخین را از قبر بیرون می‌کشد (C2, C3) در حالی که تروتازه‌اند (A2)، از آن‌ها برائت می‌جوید و لعن‌شان می‌کند (C20)، سپس دارشان می‌زند، می‌سوزاندشان و خاکسترشان را به باد می‌دهد (C7, C9, C16).

بررسی اسناد-متن: این روایت مرفوعاً از اسحاق بن عمار نقل شده است. مجلسی نیز روایت را از همو ولی از امام صادق (ع) آورده است. اسناد این روایت نیز ضعیف و عبارت‌پردازی آن نیز نوساخته در قرن هشتم است و می‌تواند متأثر از آثار پیشین چون دلائل‌الامامه باشد. واژه حائط برای قبر پیش‌تر در (د-۲) آمده بود. اتفاقی چون آثار عذاب الهی به عنوان ابتلای مردم در مقابل سرسبز شدن درخت گفتمان جدید این روایت است. بعد از نیلی نجفی هر دو روایت در بحارالانوار و در اثبات‌الهداه نیز مختصری از آن‌ها آمده است (مجلسی، ۳۸۶/۵۲؛ حرعاملی، ۲۱۳/۵).

۵-۴-۳. جمع‌بندی روایات امامی

از ۴ روایت با اسناد منفرد در منابع امامی، دو روایت آن متأخر و اسناد آن مرفوع است. در منابع متقدم فقط صدوق به این موضوع اشاره کرده و عبارات وی دارای دو ویژگی است: الف. دو عبارات در انتهای دو روایت و بی‌مقدمه آمده است؛ ب. دو عبارت کوتاه است و شباهت زیادی با یکدیگر دارند.^۱ درباره این روایات احتمالات زیر قابل بررسی است:

۱. این دو عبارت اگرچه از معصومین و در منابع امامی نقل شده است ولی با توجه به آنکه ریشه گفتمان تحریق به غالیان برمی‌گردد می‌تواند متأثر از راویان غالی یا ایرانی این دو روایت باشد.

۱. ک-۱: ک-۱: فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى طَرِيبَيْنِ فَيُحْرِقُهُمَا فَلَفْتَنَةُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ بِهِمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَالسَّامِرِي؛
ک-۲: فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى فَأَحْرَقَهُمَا.

۲. روایت ک-۲ تجمیعی است و قسمت پایانی آن می‌تواند مختصری از روایت اسراء باشد.

۳. صدوق تحت تأثیر مکتب قم و به‌ویژه استادش ابن‌ولید قمی، نسبت به گروه‌های رسمی غلات و مفوضه بسیار سخت‌گیر بوده است، اما این بدان معنا نیست که تعالیم نزدیک به آنان را، اگر در دیگر محافل و مکاتب مختلف حدیث شیعی می‌یافته در آثارش روایت نکند. وی تا آنجا که اشکال روشنی در دفاتر حدیثی که نزد او بوده وجود نداشته، در روایت از آن دفتر منعی نمی‌دیده است (نک. انصاری، ۱۳۷-۱۳۸). بنابراین محتمل است گفتمان غلات درباره مجازات شیخین به شکل کمرنگ شده‌ای به این دو روایت راه یافته باشد. وجود اصل تبری که از اصول کلامی و اعتقادی شیعیان است می‌تواند در پذیرش این روایت نقش داشته باشد. با مقایسه برخی روایات صدوق با دیگر منابع امامی درمی‌یابیم او در مواردی روایات را تقطیع یا مختصر می‌کرده است (نک. جعفری، اوحدی، ۱۵۷-۱۹۰؛ سلیمانی بهبهانی، عارفی، ۹۲-۱۲۶). چه‌بسا روایت مطرح‌شده در حلقه غلات به دفاتر حدیثی شیعه نیز وارد شده و صدوق از قصه‌سرایی آن کاسته باشد. همچنین الفاظ و عبارات متناسب‌تر با گفتمان تقیه امامی را جایگزین عبارات خاص و تند آن کرده باشد که نهایتاً به شکل یک یا دو عبارت پایانی این دو روایت درآمده است.

۴. با توجه به عبارت‌پردازی دو قطعه به لحاظ شباهت و نیز قرارگرفتن هردو در بخش پایانی دو روایت -آن‌هم بی‌مقدمه- محتمل است این عبارت افزوده ناسخان به روایت باشد. برای بررسی این احتمال نسخ خطی که به بعد از قرن نهم هجری قمری می‌رسند بررسی شدند که همگی حاوی عبارات تحریق‌اند. بنابراین اگر این احتمال قابل طرح باشد به نسخ قدیمی‌تر این کتاب می‌رسد که اینک در دست ما نیست.

۶. نتایج مقاله

۱. مضمون مجازات شیخین با اختلاف قابل توجهی بیش از همه در آثار نصیری بازتاب دارد (۹۹ کد/ جدول ۹). تعداد کدها در منابع غالی- امامی و امامی تقریباً یکی

است (۲۰-۲۱ کد)، البته از ۲۱ کد در منابع امامی، ۷ کد آن مربوط به منابع متقدم و بقیه به قرن هشتم می‌رسد. راوی سه روایت مفضل بن عمر است که درباره جایگاه وی نزد غالیان در مقاله ۱ بحث شده است.

۲. جدول ۱۰ در پیوست روایات مجازات شیخین را در منابع روایی شیعی تا پایان قرن دهم (سده اول دوره صفویه) نشان می‌دهد. طبق این جدول، پیش از صدوق (روایات ک-۱ و ک-۲) حداقل ۵ منبع از منابع غلات این مضمون را آورده‌اند که به روشنی بیانگر ریشه روایت به لحاظ وابستگی فرقه‌ای است. در منابع امامی متقدم از این روایت استقبال نشده و به جز کمال‌الدین، سایر کتب معتبر امامی خالی از این روایت جانبدارانه است. تا قبل از کتب متأخری چون بحارالانوار روایات تحریق در کتاب ضعیف و غالیانه دلائل‌الامامیه بیشترین بازتاب را داشته است.

۳. در دوره صفویه و با گسترش جریان اخباری‌گری مجازات شیخین نشر گسترده‌ای در منابع پیدا کرده است. مجلسی علاوه بر روایات یادشده روایت مفصل رجعت (ه-۱) را نیز دو بار آورده است. نمودار ۴ وضعیت کتاب بحار را در برجسته‌سازی این گفتمان نشان می‌دهد.



نمودار ۴: بسامد روایات مجازات شیخین در بحارالانوار

۴. بررسی‌ها نشان داد ریشه این روایات به غالیان و نصیری‌ها می‌رسد و جریان شعوبی‌گری و گرایش‌های غالیانه باعث استقبال از این روایت شده است. اگرچه اصل تبرّی - از آموزه‌های اساسی و قابل دفاع امامیه - نیز در رواج این روایت تأثیر داشته، چنین عذاب و خشونت، با رویکرد تناسخ محور غالیان سازگارتر است، زیرا آنان همه عقوبت‌های اخروی را بر مواقف دنیا حمل می‌کنند، حال آن‌که نزد امامیه بحث رجعت و آخرالزمان قرار نیست جای آخرت را بگیرد.

۵. پیشوای دوازدهم برای نجات بخشی و ایجاد الفت و اتحاد میان تمامی اهل زمین ظهور خواهد کرد و نه برای برافروختن آتش خشم و کین و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی. منجی مبتنی بر تبیین و هدایت‌گری، انسان‌ها را به حق و حقیقت دعوت خواهد کرد و برای گسترش عدالت و اسلام راستین نیازی به سوزاندن و خاکستر بر باد دادن نخواهد داشت.

پیوست

جدول ۹: کدگذاری روایات مجازات شیخین در منابع روایی فرق شیعی

منبع	فرقه	راوی	مقصود	حوادث خارق العاده مرتبط با شیخین	ابتلاء مردم به سبب حوادث خارق العاده	مجازات شیخین C	مجازات طرفداران شیخین D	محاکیه شیخین و طرفداران E	جمع
ج	نصیری	جابر بن یزید	امام باقر(ع)	A1	B2	C7 C1 C3 C6	—	—	۶
		ابوبصر	امام باقر(ع)	A2	B2	C3 C9 C16	—	—	۵
		—	—	(A1*3) (A2*3)	(B1*4)	(C1*3) (C3*4) (C7*4) (C9*3) C12 C13 C16 (C17*2)	—	—	۲۹
		مفضل بن عمر	امام صادق(ع)	A1 (A2*2)	(B1*2)	(C7*2) C1 (C3*4) C4 (C8*2) (C9*2) C10 C11 C16 (C17*2) (C19*2)	D2	E2 E3	۲۷
		عامر بن واثله	امام علی(ع)	A1 A2	(B1*2)	C17 C1 C3 C7 C9 C15 C18	D1	—	۱۴
		یحیی بن ام طویل	امام سجاده(ع)	—	—	C11 C13 C14	—	—	۳
		سلمان	امام علی(ع)	—	—	C13	D1	E1	۳
		سلمان	امام علی(ع)	A1 A2	B1	C7 C9 C1 C2 C3 C5 C6 C16	D3 D4	E4	۱۴
کش-۱	اسماعیلی	مفضل بن عمر	امام صادق(ع)	—	—	C1 C2 C3 C7	D1	E3 E5	۷
		ندارد	ندارد	—	—	C9 C13	—	—	۲
کش-۱	غالی-امامی	عامر بن واثله	امام علی(ع)	A2	—	C3 C7	—	—	3
ابوجارود		امام باقر(ع)	A2 A3	B1	C1 C2 C3 C9	D1	—	8	
ابن مهزیار اهوازی		امام زمان(ع)	A1 A2	B2	C1 C2 C3 C6 C7 C18	D5	—	10	
کش-۱	امامی	مفضل بن عمر	امام صادق(ع) از پدرانش	A2	B2	C3 C9	—	—	4
عبدالعظیم حسنی		امام جواد(ع)	—	—	C1 C3 C9	—	—	3	
بنییرتال		امام سجاده(ع)	A2	—	C3 C9 C16	—	—	4	
اسحاق بن عمار		امام سجاده(ع)	A2 A4	B1	C2 C3 C7 C9 C20 C16	—	—	9	
جمع نصیری: ۹۹ / جمع اسماعیلی: ۹ / جمع غالی-امامی: 21 / جمع امامی: 20									

راهنمای جدول ۱۰:

- در این جدول A بیانگر نقل اولین بار روایت و B نقل دوم از همان منبع در قرن موردنظر است. سطر بالا که بیانگر رویکرد فرقه‌ای است فقط ناظر به A است و مولف B الزاماً از همان فرقه نیست چنانکه روایت هـ-۱ بار اول در یک کتاب نصیری و بار دوم در یک کتاب امامی (مختصر البصائر) آمده است (حلی، مختصر البصائر، ۴۳۳-۴۵۸).

- اشعار دیوان خصیبی (ش) در قرن سوم و چهارم سروده شده، از این رو گزینه A در دو قرن آمده است.

- علامت (*) مربوط به قرن آثاری است که زمان دقیق تألیف آن‌ها معلوم نیست، ولی تخمین آن است که تحریر آن به بیش از قرن موردنظر می‌رسد.

- سه حرف خ-ج-ل علامت اختصاری این کتابند: مختصر البصائر، الإحتجاج و اعلام‌الوری

جدول ۱۰: نقل بار اول (A) و بار دوم (B) روایات مجازات شیخین در منابع روایی شیعی

آثار قرن	منابع نصیری (ناظر بر A)							منابع (غالی-امامی) (ناظر بر A)			منابع امامی (ناظر بر A)			
	ج	ف	ش	هـ-۱	هـ-۲	ب	ع	ط	کشی-۱ و ۲	د-۱	د-۲	د-۳	ک-۱	ک-۲
۳	*A		A	A	A	A			A				A	
۴		*A	A	A										
۵					(د-۱) B		A			A	A			
۶													B (ج) (ل)	
۷												*A		
۸				(خ) B				*A				B (خ)		A
۹														
۱۰														

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعة الى تصانیف الشيعة، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن شاذان، محمدبن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۴. ابن غضائری، احمدبن حسین. الرجال، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن مقاتل قطیعی بغدادی، ابوالفتح محمدبن حسن، المجالس التیمیة (الخلاف بین محمدبن نصیر و اسحاق الاحمر) در: سلسله التراث العلوی ۱۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان.
۶. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۷. اشعری قمی، سعدبن عبدالله، المقالات و الفرق، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.
۸. اکبری، عمیدرضا، نصیریہ متقدم، تاریخ، منابع و عقاید، دانشگاه ادیان، قم، در دست چاپ.
۹. امین، محسن، أعيان الشيعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. انصاری، حسن، "چند متن مهم از طیف‌های مختلف شیعی درباره قائمیت: کتاب الکشف و ماهیت آن"، سایت بررسی‌های تاریخی، تاریخ نشر: ۱۳۹۳/۶/۶، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۷/۷، آدرس سایت: <https://ansari.kateban.com/post/2174>
۱۱. همو، "مروری بر تاریخچه تدوین جوامع حدیثی شیعی، در تشیع امامی در بستر تحول"، نشر ماهی، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم، مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. برسی، رجب‌بن محمد، مشارق انوار اليقين فی اسرار امیرالمؤمنین (ع)، أعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. بزدوی، محمدبن محمد، اصول الدين، المكتبة الأزهرية للتراث، قاهره، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. پاکتچی، احمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل "ابن رستم طبری".
۱۶. پاکروان، مهدیه، استراتژی منجی: جنگ جهانی یا صلح جهانی؟، انتشارات پناه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ش.
۱۷. همو، ولوی، علی محمد، نیلساز، نصرت، "ریشه‌یابی تفکرات غالبانه و شعوبی روایات مجازات شیخین در متون نصیریہ"، پژوهش دینی، ش ۴۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش.
۱۸. جعفری، رسول محمد، اوحدی، مرتضی، "بررسی و نقد شبهات وارده بر وثاقت و مرویات شیخ صدوق"، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۱۴، ش ۴، زمستان ۱۳۹۶.
۱۹. جنبلائی، جنان، ایضاح المصباح در: سلسله التراث العلوی ۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، بی تا.
۲۰. جوهری، احمدبن محمد، مقتضب الاثر فی النص علی الائمه الاثني عشر، انتشارات طباطبائی، قم، چاپ اول.
۲۱. حرعاملی، محمدبن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۲۲. حسین‌بن هارون، مختصر البدء و الاعداء در سلسله التراث العلوی ۶، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، ۲۰۰۶ م.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف، رجال (خلاصة الاقوال)، انتشارات الشریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۲۴. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. حمزة بن علی، الرسالة الدامغة للفاقد در: رسائل الحکمة، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، ۱۹۸۶ م.

۲۶. خزّاز قمی، علی‌بن‌محمد. کفایة الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۷. خصیّبی، حسین‌بن‌حمدان، الرسالة الرستباشیة در: سلسله التراث العلوی ۲، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۲۸. همو، شرح دیوان الخصیّبی، به کوشش ابراهیم عبداللطیف مرهج، دیوان القلم.
۲۹. همو، الهدایة الكبرى در سلسله التراث العلوی ۷، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۷ م.
۳۰. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. دفتری، فرهاد، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، فروزان روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. دیلمی، حسن‌بن‌محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۳. رابع اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. سلطانی‌فر، محی‌الدین، رنجبر، محسن، "بررسی اصالت اخبار غیرمسند"، شیعه پژوهی، س ۳، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۶.
۳۵. سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، عارفی، محمد مهدی، "روش شناسی کلامی شیخ صدوق"، کلام اسلامی، ش ۹۲، اسفند ۱۳۹۳.
۳۶. سیدبن طاووس، الطوائف فی معرفه مذاهب الطوائف، خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۳۷. شهرستانی، محمدبن‌عبدالکریم، الملل و النحل، الشریف الرضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.
۳۸. صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی (۲)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۳ ش.
۳۹. صدوق، محمدبن‌علی، عیون‌اخبارالرضا، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۴۰. همو، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۹ ق.
۴۱. همو، من‌لایحضره‌الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله، "محمدبن‌جریر طبری آملی و دلائل الامامه"، علوم حدیث، س ۱۰، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۴۳. طبرانی، ابوسعید میمون، الجوهریة در سلسله التراث العلوی ۳، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴۴. همو، مجموع الاعیاد در سلسله التراث العلوی ۳، به کوشش ابوموسی و شیخ موسی، دار لاجل المعرفة، دیار عقل-لبنان، ۲۰۰۶ م.
۴۵. طبرسی، احمدبن‌علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، دار النعمان، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، اعلام الوری باعلام‌الهدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۴۷. طوسی، محمدبن‌حسن، الغیبة، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۵.
۴۸. همو، رجال، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
۴۹. همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، مکتبه المحقق الطباطبائی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. قاضی عیاض، عیاض‌بن‌موسی، شرح الشفا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۵۱. کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، تفسیر، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. کشی، محمدبن‌عمر، اختیار معرفة الرجال، به اختیار محمدبن‌حسن طوسی، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. کیوی، ریمون، کامنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. مجهول المؤلف، دلائل الامامة، ایران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. محمدبن نصیر، الانوار النورانية و الادوار الروحانية در: سلسلة التراث العلوی ۱، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، بی تا.
۵۷. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. منسوب به امیرالمؤمنین، الطاعة متى تقوم الساعة در: سلسلة التراث العلوی ۹، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، ۲۰۰۸ م.
۵۹. منسوب به جعفر بن منصور الیمین، کتاب الكشف، به کوشش رودلف اشتروتمان، دار بیبلیون، پاریس، ۲۰۰۸ م.
۶۰. منسوب به محمدبن سنان، کتاب الحجب والانوار در: سلسلة التراث العلوی ۶، دار لاجل المعرفة، دیار عقل - لبنان، ۲۰۰۶ م.
۶۱. منسوب به مفضل بن عمر، الھفت الشریف، دار الاندلس، بیروت، چاپ دوم.
۶۲. مهدوی، حسن، سهل بن زیاد در آئینه علم رجال، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
۶۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۶۴. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۶۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، دارالأضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۶۶. نبلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة (ع)، مؤسسة الإمام الهادی (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۶۷. ولادیمیر ایوانف (به کوشش)، ام الكتاب، انتشارات پویا، کلن، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۶۸. همو، السلطان المفرج، دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۶۹. هولستی، ال، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۸.